

عاشورا تبلور دیدگاه‌های نوین تربیتی:

سیره تربیتی امام حسین (علیه السلام) بسترساز خودگردانی متعالی

راضیه بدیعان گروتی*

محمد نجفی**

محمدحسین حیدری***

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل ابعاد تربیتی واقعه عاشورا، به دنبال واکاوی این حادثه عظیم از منظر خودگردانی است. در راستای تحقق این هدف نویسندگان مقاله به شیوه توصیفی-تحلیلی به دنبال تحلیل رفتاری نقش آفرینان واقعه عاشورا بر مبنای خودگردانی هستند. یافته‌های پژوهش به دو بخش قابل تفکیک است. بخش اول به مفهوم‌شناسی خودگردانی و ملاک‌های سه‌گانه خودگردانی اختصاص دارد. یافته‌های بخش دوم مربوط به تحلیل سیره امام حسین (علیه السلام) و یارانش بر مبنای ملاک‌های سه‌گانه خودگردانی (اصالت، عقلانیت و اراده) شکل گرفته است. یافته‌های مرتبط با بخش دوم پژوهش مبین آن است که عملکرد امام حسین (علیه السلام) و یارانش مصداق بارز تحقق خودگردانی منبعت از تعالیم قرآنی است. رویکرد امام در اعطای آزادی و پرورش عقلانیت نیز از مصادیق بسترسازی در جهت تحقق خودگردانی محسوب می‌شود. یافته‌های مرتبط با تحلیل رفتاری دشمنان نیز مبین آن است که فقدان ملاک‌های سه‌گانه خودگردانی در عملکرد عوام و خواص به خوبی مشهود است. بر این اساس دشمنان امام مصداق بارز انسان دگرگردان هستند. جبن و فقدان بصیرت و آگاهی در مردم و ارباب، تبلیغات مسموم و هواپرستی حاکمان در این گروه نیز از زمینه‌های بسترساز دگرگردانی محسوب می‌شود. واژگان کلیدی: امام حسین (علیه السلام) عاشورا، خودگردانی، اصالت، تأمل عقلانی، اراده.

۱. مقدمه

عاشورا حادثه عظیم تاریخی است که به ظاهر کمیتی محدود دارد؛ ولی از آن چنان کیفیت نامحدودی برخوردار است که زمان، مکان و دین و مذهب نتوانسته مانع گسترش فرهنگ آن شود؛ زیرا عاشورا یک حادثه نیست. یک تفکر توأم با عمل است که مکتب حسین بر مبنای آن شکل گرفته است (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱)؛ مکتبی بر مبنای اصول متقن تربیتی منبعث از تعالیم الهی؛ از این رو، نگرش حماسی و عاطفی محض به این واقعه، جفایی است مضاعف بر آفرینندگان آن؛ بنابراین مرثیه‌سرایی و تهییج عواطف مردم برای احیای مکتب حسینی کافی نیست؛ زیرا سیدالشهدا در آغاز حرکت انقلابی خویش، اصلاح امت اسلام^۱ (ابن شهر آشوب، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۸۹؛ نجفی، ۱۳۶۲، ص ۳۶۰)، را هدف اصلی خود عنوان نمودند. هدفی که خود مؤید بعد تربیتی قیام عاشورا است. بنابراین، پرداختن به بعد حماسی و عاطفی این قیام عظیم و غفلت از ابعاد تربیتی آن نوعی تحریف معنوی واقعه عاشورا محسوب می‌شود و «تحریف معنوی این واقعه صد بار خطرناک‌تر از تحریف لفظی واقعه عاشورا است» (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۰۴).

تحلیل و بررسی بسترهای شخصیت‌ساز قیام عاشورا مبین تأثیر عملکردهای منفعلانه در شکل‌گیری این حادثه است. افرادی که فاقد توانایی درونی برای حفظ استقلال خویش هستند و خواسته و ناخواسته افراد و جریان‌های پیرامونشان عامل تصمیماتشان هستند، در اصطلاح دگرگردان^۲ نامیده می‌شوند. این در حالی است که با گسترش وسایل ارتباط جمعی، دگرگردانی و اتخاذ رویکرد انفعالی در برابر حجم عظیم اطلاعات دریافتی به یکی از معضلات تربیتی عصر حاضر نیز مبدل شده است؛ زیرا عملکرد منفعلانه مخاطبان در برابر حجم عظیم تبلیغات رسانه‌های گروهی و اطلاعات دریافتی، آنها را به بردگان انتخابگری مبدل نموده است که بدون بصیرت و اندیشه‌ورزی اطلاعات دریافتی را ملاک انتخاب‌های خود قرار می‌دهند.

در این شرایط، عموم افراد، به‌ظاهر انتخابگر و آزاد تلقی می‌شوند؛ در حالی که این رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اطلاعاتی جهانی هستند که در راستای منافع اداره‌کنندگان خود، مدیریت انتخاب‌های ایشان را بر عهده دارند. در نقطه مقابل انسان‌های دگرگردان، افراد مستقل، آزاد، انتخابگر و خودگردان^۳ قرار دارند که ضمن تحلیل اطلاعات دریافتی و وقایع پیرامون، با تأمل عقلانی و بازنگری مدام، آزادانه و آگاهانه انتخاب می‌کنند؛ رویکردی که در سیره امام حسین (علیه السلام) و یارانشان به خوبی مشهود است.

۱. اِنِّی لَمْ اُخْرِجْ اَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَاِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْاِصْلَاحِ فِی اُمَّةٍ جَدِّی، اُرِیدُ اَنْ اَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَاَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَاَسِیرَ بِسِیرَةِ جَدِّی وَاَبِی عَلِیِّ بْنِ اَبِیطَالِبٍ.

2. heteronomy

3. autonomy

با توجه به اهمیت تربیت متریان خودگردان در عصر حاضر و ضرورت ارائه الگوی مناسب در این حوزه، پژوهش حاضر با هدف استنتاج استلزامات تربیتی واقعه عاشورا با محوریت خودگردانی^۱ به عنوان هدفی تربیتی شکل گرفت. مفهوم‌شناسی خودگردانی، تحلیل و رفتارشناسی نقش آفرینان واقعه عاشورا از دریچه خودگردانی و استنتاج استلزامات تربیتی منبث از رفتارشناسی گام‌های پیش‌بینی شده در مقاله حاضر در راستای تحقق اهداف مقاله محسوب می‌شود.

۲. روش‌شناسی

پژوهش حاضر در زمره پژوهش‌های کیفی است که به شیوه توصیفی-تحلیلی در بستر یک رویداد تاریخی اجرا شده است. با توجه به بستر تاریخی پژوهش، روش گردآوری اطلاعات، شیوه بررسی اسناد و مدارک است.

منابع مربوط به گردآوری اطلاعات به دو دسته تقسیم شد: منابع دست‌اول و منابع دست‌دوم. «منابع دست‌اول به منابعی گفته می‌شود که توسط یکی از شاهدان واقعی حادثه ارائه شده‌اند» (دلاور، ۱۳۸۱). در مورد حادثه عاشورا در درجه اول مشاهدات حاضران در واقعه (که در مستندات معتبر ضبط شده است) مرجع اصلی محسوب شد. گفتنی است در این بخش، گردآوری اطلاعات و گزارش‌هایی که از زبان اهل‌بیت حاضر در واقعه عاشورا در کتب حدیث معتبر روایت شده، اهمیت بیشتری دارد. در پژوهش تاریخی، منبع دست‌دوم منبعی محسوب می‌شود «که در آن راوی یا گزارشگر، شاهد آن نبوده است و براساس توصیف‌ها یا سوابق تاریخی که توسط دیگران تهیه شده است به ارائه گزارش می‌پردازد» (گال، ۱۳۸۶). منابع دست‌دوم دومین منبع گردآوری اطلاعات در جنبه تاریخی واقعه عاشورا محسوب شد. البته در پژوهش حاضر استفاده از منابع دست‌اول اهمیت بیشتری دارد و از منابع دست‌دوم تنها در حد ضرورت بهره گرفته شد.

در بخش دوم پژوهش، با توجه به هدف نهایی مبنی بر طرح تبیینی نو از خودگردانی بر مبنای سیره تربیتی امام حسین (علیه السلام) در جریان واقعه عاشورا، از میان رویکردهای سه‌گانه تجزیه و تحلیل داده‌ها (رویکرد توصیفی، رویکرد توصیفی-تفسیری و رویکرد تفسیری-تجزیه‌ای) که توسط استراس و کوربین^۲ (۱۹۹۸) ارائه شده است، رویکرد تفسیری-تجزیه‌ای مبنای قرار گرفت که مستلزم بالاترین میزان تفسیر است (میکات، مورهایس، ۱۹۹۴).

1. personal autonomy

2. Strauss & Corbin

۳. مفهوم‌شناسی

خودگردانی بازگردان واژه اتونومی است. واژه‌ای با ریشه یونانی، مرکب از «آتو»^۱ به معنای خود و «نوموس»^۲ به معنای قانون است (بلک برن، ۲۰۱۶). استقلال، خودمختاری، خودکنترلی، خودقانونی و خودگردانی، عمده‌ترین واژه‌های معادل آن در زبان فارسی محسوب می‌شود. خودگردانی،^۳ در حوزه تربیت، ظرفیت یا توانایی بالقوه برای تنظیم آزادانه رفتار شخصی و عمل بر مبنای دلایل نشئت گرفته از درون است (دیردن، ۱۹۷۵). عقل و عواطف می‌تواند مبنای انتخاب قرار گیرد. طرفداران محوریت عواطف معتقدند ادراک اخلاقی نباید ذیل عملکردهای فهم طبقه‌بندی شود؛ بلکه باید از مقوله ذوق‌ها و احساسات باشد (هیوم، ۲۰۰۷، ص ۱۱)؛ درحالی‌که کانت و هم‌فکران او عقل را مبنای انتخاب انسان می‌دانند. کانت با مطرح نمودن انسان به‌عنوان موجودی آفریننده و مقنن، بر توانایی انسان برای رهایی از تابعیت و پیروی محض تأکید می‌کند. به اعتقاد وی، موجود عاقل نه تنها باید تابع قانون باشد؛ بلکه باید واضع قوانین خود باشد (کانت، ۱۹۷۲). توجه به منشاء درونی عملکرد و پرهیز از تبعیت بدون اندیشه را کانت ویژگی خودمختاری اراده معرفی و آن را اصل‌اعلای اخلاق بیان می‌کند (کاپلستون،^۴ ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۳۳۶).

دیدگاه‌های کانت، بسترساز دیدگاه‌های اندیشمندان معاصر در طرح خودگردانی با محوریت عقل محسوب می‌شود (حیدری، ۱۳۸۷)؛ دیدگاهی که محور پژوهش حاضر نیز محسوب می‌شود. بر این اساس، منظور از خودگردانی، خودگردانی با محوریت تعقل است. خودگردانی در بستر انتخاب آزاد شکل می‌گیرد و با آگاهی و تحلیل مشروعیت می‌یابد و اراده، بستر فعلیت یافتن آن می‌گردد. بر این اساس، اصالت،^۵ تأمل عقلانی^۶ و قدرت اراده^۷ ارکان سه‌گانه خودگردانی فردی به‌شمار می‌رود. طرح این ملاک‌های سه‌گانه که برگرفته از دیدگاه‌های آر. اس. پیترز^۸ و آر. اف. دیردن،^۹ دو فیلسوف معاصر انگلیسی، است در آثار دیگر پژوهشگران این حوزه (حیدری، ۱۳۸۷)، عامل انتخاب مؤلفه‌های پیش‌گفته به‌عنوان ملاک‌های سه‌گانه خودگردانی در پژوهش حاضر است.

1. autos

2. nomos

۳. از آنجایی که مصدر فارسی «گرداندن» بر کنترل کردن و اداره کردن (معین، ۱۳۶۲، ج ۱) دلالت دارد، به‌زعم نویسندگان خودگردانی از سایر معادل‌های فارسی اتونومی نظیر خودمختاری، استقلال و خودآینی مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

4. Copleston

5. authenticity

6. rational reflection

7. power of will

8. R.S.Peters

9. Dearden. R.F

۳-۱. ملاک‌های خودگردانی

۳-۱-۱. اصالت

شاخص اصالت بر درونی بودن منبع انتخاب دلالت دارد (بهمنی و همکاران، ۱۳۹۵). این دلایل درونی متمایز از دلایل بیرونی است که از طریق ستایش یا سرزنش، تشویق و تنبیه و نظایر آن به فرد القاء می‌شوند (پیترز، ۱۹۷۳، ص ۱۵)؛ بنابراین شخص خودگردان زندگی خود را بر مبنای انتخاب خود مدیریت می‌کند نه بر مبنای آنچه دیگران به او دیکته می‌کنند.

۳-۱-۲. تأمل عقلانی

محوریت فرد در قضاوت و انتخاب بر مبنای بازنگری همراه با تأمل، به حاکمیت عقل بر انتخاب و قضاوت می‌انجامد. بر این اساس عقل به‌عنوان معیار، مبنای درستی و نادرستی رفتار محسوب می‌شود.

۳-۱-۳. اراده

اصالت و تأمل عقلانی ارکان دوگانه خودگردانی در حوزه شناختی محسوب می‌شود و رکن سوم، یعنی اراده، شرط تحقق آن است. اراده در فرد، قدرت و جسارت مقاومت در برابر خواسته‌ها و عکس‌العمل‌های غیرمنطقی، نظیر تمسخر، ارعاب و طرد شدن را پدید می‌آورد (پیترز، ۱۹۷۳). بنابراین ملاک خودگردانی جدیت فرد در پایبندی به قضاوت‌ها و انتخاب‌ها است (دیردن، ۱۹۷۵) که اندیشه اصیل و مستقل فرد را در دنیای بیرون از ذهن به منصه ظهور می‌رساند.

۳-۲. ملاک‌های خودگردانی در بستر آموزه‌های اسلامی

از آنجایی که خودگردانی منبعت از دیدگاه‌های اندیشمندان غربی است و بر مبنای ایدئولوژی غیرتوحیدی شکل گرفته است، بازبینی ملاک‌های سه‌گانه خودگردانی در فرهنگ اسلامی در راستای تحقق هدف پژوهش اجتناب‌ناپذیر است. این بررسی، وجوه تشابه و اشتراک چندی را آشکار می‌کند؛ بر این اساس، اعتباربخشی به عمل بر مبنای انطباق نیت و عمل، مصداق بارز توجه به اصالت رفتار است. بی‌اعتباری اعمال ریاکاران با وجود حسن ظاهری عمل^۱ نیز مؤید همین اصل است. نهی از پیروی ناآگاهانه از پیشینیان،^۲ ظن و گمان^۳ و نیروهای غیراصیل درونی (هوای نفس)^۴ نیز بر اهمیت منشأ درونی رفتار (اصالت) اشاره دارد.

۱. «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ * الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤُونَ» (ماعون، ۴-۶).

۲. «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا آفَلَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَ لَوْ كَانِ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئاً وَ لَا يَهْتَدُونَ (بقره، ۱۷۰).

۳. «وَ مَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ (يونس، ۳۶).

۴. «فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ (مانده، ۳۰).

تعقل نیز در اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد. نزول بیش از ۱۱۷ آیه با محوریت دعوت به تفکر و تعقل مؤید این نکته است. تصریح قرآن به تفکر و تعقل، در کنار نهی از دنباله‌روی بدون اندیشه از تفکرات و تعصبات قومی و نژادی نیز مؤید بازنگری و تأمل عقلانی دروندادهای فکری در راستای استقلال اندیشه است. از سوی دیگر، براساس آیات قرآن، صحت اندیشه تنها عامل رهنمون شدن به سعادت نیست؛ بلکه به منصف ظهور نرساندن اندیشه صحیح موجب خسران است؛ به گونه‌ای که پیامد بی‌ارادگی، ترس و سکوت در جمع گمراهان، عذاب الهی خواهد بود.^۱

با وجود وجوه تشابهات پیش‌گفته، در راستای تبیین دقیق‌تر ملاک‌های خودگردانی منبعت از تعالیم اسلامی، وجوه تمایز را نمی‌توان نادیده انگاشت. چنان‌که در اسلام با وجود پذیرش حجیت عقل و معرفی آن به‌عنوان حجت درون، محدودیت‌های عقل مغفول نمانده است. بر این اساس، در اسلام هر جا عقل در حصار محدودیت‌های ذاتی اش از طی طریق باز می‌ماند، حجت‌های بیرونی به مدد وحی مسیرش را هموار می‌کند. عقل در اسلام حجتی است که به‌واسطه وحی قدرتی مضاعف می‌یابد تا به هدایت انسان بینجامد. دعوت به تبعیت از خدا، انبیا و اولیا^۲ نیز در همین راستا قرار دارد. انسانی که مکلف است اصول اعتقادی خود را بر مبنای تحقیق و نه تقلید انتخاب کند، محدودیت‌های عقل خویش را به مدد اتصال به منابع لایزال وحی به فرصت رشد و بالندگی تبدیل می‌کند. دعوت به تفکر در آیات الهی^۳ نیز به همین امر اشاره دارد؛ زیرا قرآن پذیرش کورکورانه احکام و معارف قرآنی، بدون تفکر و تعقل را نیز نمی‌پذیرد؛ بلکه افراد را به کاربرد فکر و عقل توصیه می‌کند تا در هر مسئله حقیقت امر کشف شود و با نور عقل راهشان در این سیر و سلوک روشن شود (طباطبایی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۹۵).

در حوزه اراده انسانی نیز هرچند به نص صریح آیات قرآن اختیار و اراده انسان به رسمیت شناخته می‌شود؛ با وجود این، وابستگی اراده به اراده الهی یکی از شاخص‌های اراده انسانی محسوب می‌شود (بهشتی، ۱۳۹۵). البته این امر به‌منزله نفی اختیار انسان نیست؛ زیرا اراده انسان در طول اراده خداوند قرار دارد (مصباح یزدی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۷۴)؛ بنابراین انسان خودگردان در اسلام از یک‌سو عقلانیتش، به مدد اتصال به وحی به عقلانیت متعالی تبدیل شده است؛ از سوی دیگر، در عین اتصال به ذات حق در بستر تعالیم الهی فکر و اندیشه خود را از عوامل مخرب بیرونی و درونی محافظت می‌کند. در این مسیر، توکل^۴ بر ذات باری تعالی نیز اراده او را از ضعف و سستی مصون می‌دارد.

۱. فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ اتَّجِنَّا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَدَابِ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (اعراف، ۱۶۵).

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء، ۵۹).

۳. «كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ» (بقره، ۲۱۹).

۴. «مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (طلاق، ۳).

۴. رفتارشناسی نقش آفرینان واقعه عاشورا

۴-۱. رفتارشناسی امام حسین (علیه السلام) و یارانش بر مبنای ملاک‌های سه‌گانه خودگردانی

۴-۱-۱. اصالت رفتار

اصالت رفتار به توجیه رفتار بر مبنای دلایل نشئت گرفته درونی اشاره دارد. بر این اساس، رفتار ناشی از تبعیت از قوانین و دستورالعمل‌های تجویزی بر مبنای وابستگی به مراجع قدرت یا ترس از تنبیه و طمع تشویق اصالت ندارد. اثرناپذیری از تلقین، تهدید، فشارهای اجتماعی و فرهنگی شاخصه مهم رفتار اصیل محسوب می‌شود. بررسی رویکرد امام حسین (علیه السلام) در جریان واقعه عاشورا و رخدادهای منتهی به آن مبین وجود جریان‌های منسجم و غیر منسجم در راستای اثرگذاری بر تصمیمات امام حسین (علیه السلام) است. تلاش عبدالله بن عباس برای منصرف کردن امام از رفتن به کوفه (طبری، ۱۹۷۹، ج ۵، ص ۳۸۵)، نامه عبدالله بن جعفر، پسر عموی حضرت، و سخنان عبدالله بن زبیر و عبدالله بن عمر برای راضی کردن امام برای ماندن در مکه (ابن مسعودی، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۶)، از جمله تلاش‌های مسالمت‌آمیز اطرافیان امام برای تغییر تصمیم ایشان بود که هیچ خللی در تصمیم قاطع امام وارد نکرد. افزون بر القائات فکری که در قالب توصیه‌های شفاهی و کتبی از سوی دوستان و دشمنان امام صورت گرفت، عمال یزید نیز کلیه امکانات خود را برای اثرگذاری بر تصمیم امام به کار بستند. اقدام یزید پس از مرگ معاویه در ارسال نامه به والی مدینه که در آن از او می‌خواهد امام حسین (علیه السلام) را وادار به بیعت نماید و در صورت عدم پذیرش سر از تنش جدا کند،^۱ تلاش برای ترور امام در مکه، بستن راه امام در مسیر کوفه توسط حر، بستن آب بر امام و یارانش و سرانجام جنگ، همگی در راستای اثرگذاری بر تصمیم امام و تغییر آن اجرا شد. با وجود این، عملکرد امام در جریان وقایع مبین تأثیرناپذیری امام در انتخاب و تصمیم‌گیری از جریان‌ها و فشارهای پیرامون است. تسلیم و رضا در برابر خدا و اثرناپذیری از هر آنچه غیر اوست بارزترین نمودهای اصالت در رفتار است. نمودهای اصالت رفتار در عملکرد یاران امام نیز به خوبی مشهود است. تأثیرناپذیری محمد بن بشیر حضرمی از شرایط عاطفی پیش آمده پس از اسارت فرزندش و تداوم همراهی با امام (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۴، ص ۳۹۴) و خلل‌ناپذیری تصمیم حضرت عباس (علیه السلام) و برادرانش در یاری امام حسین (علیه السلام) با وجود امان‌نامه شمر (ابن طاووس، ۱۴۰۴، ص ۷۹) و باقی ماندن یاران امام، پس از اینکه ایشان بیعت خود را از آنها برداشتند و آنها را در رفتن مخیر نمودند، نیز مؤید منشأ درونی رفتار آنهاست؛ زیرا با وجود عوامل درونی و بیرونی اثرگذار بر انتخابشان، بر سر انتخاب خود تا پای جان ماندند.

۱. «كَتَبَ يَزِيدٌ إِلَى الْوَلِيدِ يَأْمُرُهُ بِأَخْذِ الْبَيْعَةِ عَلَى أَهْلِهَا وَ خَاصَّةً عَلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ يَقُولُ إِنَّ أَبِي عَلَيْكَ فَاصْرَبْ غُنْقَهُ وَ اجْعَثْ إِلَيَّ بِرَأْسِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۴، ص ۳۲۴).

در اینجا بسترسازی امام (علیه السلام) برای تحقق خودگردانی در بستر اعطای آزادی به همراهان برای انتخاب، جای تأمل دارد. ایشان از ابتدای قیام ضمن آگاه نمودن همراهان از مسائل و رخدادهای پیش‌رو، همواره بر حق انتخاب آنها برای ماندن و رفتن تأکید داشتند و این خود مصداق بارز بسترسازی برای انتخابگری است.

۴-۱-۲. تأمل عقلانی

آزادی، مبارزه با جمود فکری، گذر از تعصبات کور و حقیقت‌گویی، پیامد تأمل عقلانی و بازنگری مداوم عملکرد است. مؤید شدن این قابلیت با تعالیم الهی، مسیر غلبه بر محدودیت‌های عقل را فراهم می‌کند و با بسط افق دید انسان چشم‌اندازی به وسعت بشریت فراروی انسان می‌گشاید تا عملکرد خود را در چنین گستره‌ای ارزیابی کند. در چنین شرایطی، تأملات عقلانی در راستای تحقق اهداف فرازمانی است که در نگاه انسان‌های عادی قابل توجه نیست. با وجود این، انتخاب‌ها و تصمیمات حاصل این نوع تأمل، حصار زمان و مکان را درمی‌نوردد و منشأ تحولات عظیم می‌شود. در جریان واقعه عاشورا افرادی چون ابن عباس و محمدبن حنفیه، برادر امام، که به تدبیر شهره بودند در صدد برآمدند ضمن تشریح اوضاع، ایشان را از تصمیم خود منصرف کنند. ایشان در پاسخ آنها فرمودند: «آیا گمان می‌کنی آنچه را تو می‌دانی من نمی‌دانم»^۱. پاسخ امام به آنها مبین اشراف و آگاهی ایشان بر شرایط موجود بود و نشان می‌داد ایشان با علم و آگاهی نسبت به پیامدهای اقدام خود در راستای تحقق هدفی متعالی،^۲ مصلحت‌اندیشی‌های سوداگرانه را واقعی نمی‌نهد؛ زیرا امام مصداق بارز تحقق عقلانیت متعالی است که از محدودیت‌های معمول عقل رها شده و ارزیابی‌هایش در حصار زمان و مکان محدود نیست. همین امر از بستر شکستی ظاهری، بزرگ‌ترین فتح را در طول تاریخ برای ایشان رقم زد و امام را به الگویی فرازمانی و فرادینی مبدل کرد.

یکی دیگر از مصادیق تبلور عقلانیت در قیام عاشورا، فرازی از زیارت اربعین است که فلسفه قیام امام را رهایی مردم از جهل معرفی می‌کند. احیای عقلانیت و رهایی مردم از جهالت^۳ در عصری که عقول عامه در حجاب تبلیغات مدفون شده بود و عقل خواص در حصار منفعت‌طلبی به انفعال کشانده شده بود، زمینه‌ساز آزادی ایشان از بردگی پنهان بود.

عملکرد اهل بیت و یاران امام حسین (علیه السلام) نیز تبلور عقلانیت و آگاهی است، چه آنچه از سر ناآگاهی، تقلید و تعصب محقق شود بی‌ارزش است؛ در حالی که اقدامات و گفتار ایشان از روی

۱. «تَنْظُرُ أَنْكَ عَلِمَتْ مَا لَمْ أَعْلَمُهُ» (ابن طاووس، ۱۴۰۴ق، ص ۱۰۰).

۲. «إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِي».

۳. «وَبَدَلُ مُهْجَتِهِ فَيْكُ لَيْسَتْ تُقَدِّ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَخَيْرُهُ الصَّلَاةُ» (زیارت اربعین).

بصیرت و روشن بینی بود. توصیف امام صادق (علیه السلام) از عمویش، عباس (علیه السلام) حماسه‌ساز عاشورا، با اوصاف بصیرت عمیق و ایمان راسخ^۱ جای بسی تأمل دارد؛ زیرا بصیرت در لغت عرب به معنای علم و دانایی است. و منظور از عمل با بصیرت، عملی است که از روی قصد و آگاهی انجام می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۵۳-۲۵۴). توصیف نماد شجاعت و رشادت و ایثار در حادثه کربلا به بصیرت و آگاهی از سوی امام معصوم مؤید تبلور عقلانیت متعالی در ایشان است. عملکرد یاران امام (علیه السلام) در روز عاشورا و اشتیاق آنها برای شهادت نیز از بصیرت و علم آنها سرچشمه می‌گرفت. آنها می‌فهمیدند، کجا می‌روند، برای چه آمده‌اند. آگاه بودند نسبت به وظیفه خدایی خود (امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱۵، ص ۵۵). گذر از زندگی مادی در راستای تحقق هدفی متعالی تنها در بستر بصیرت و آگاهی حماسه‌سازان عاشورا محقق شد.

هرچند جلوه عقلانیت متعالی و گذر از عقل معاش در راستای تحقق انسانیت ناب در عملکرد امام حسین (علیه السلام) و اهل بیت ایشان مشهود است؛ اما حر تائبی که در آخرین لحظات سرنوشتی نو برای خود رقم زد، مصداق بارز بازنگری عملکرد در پرتو عقلانیت است. حر پس از بستن راه بر امام، مدت زیادی در کنار ایشان بود و ایشان را شناخت و این امر مقدمه‌ای شد برای ذهن تحلیلگر او تا خود را از حصار تبلیغات بنی امیه رها کند و سره را از ناسره تشخیص دهد و راه درست را انتخاب کند و تا پای جان بر سر انتخاب خود بایستد.

۴-۱-۳. اراده

اراده عامل بروز و ظهور خودگردانی است. بر این اساس، پایداری بر عقیده و تلاش در راستای تحقق آن با وجود فشارهای خارجی تبلور اراده است. نامه امام به برادرش، محمد بن حنفیه، در تبیین چرایی قیام و اعلام عزم مصمم خود در احیای اسلام، مصداق بارز این رکن است. ایشان در این نامه تأکید می‌کند: حتی اگر هیچ کس مرا در این مهم یاری نکند به تنهایی و با صبر و استقامت به پیش خواهیم رفت.^۲ در مکتب تربیتی امام حسین (علیه السلام) برای تحقق اندیشه‌ها و عقاید ناب سرچشمه گرفته از عقلانیت متعالی از بذل جان و مال نیز فروگذار نمی‌شود. و این امر مبین اراده قوی و استقامت در راه تحقق اهداف و اندیشه‌های متعالی است. پاسخ امام به حر بن یزید ریاحی که راه را بر او سد می‌کند و او را از کشته شدن بیم می‌دهد، مؤید این ادعا است.^۳ رویکرد تربیتی امام حسین (علیه السلام) نیز مبین نقش استقامت و پایداری در حفظ استقلال اندیشه و پاسداشت عقاید

۱. «كَانَ عَمُّنَا الْعَبَّاسُ بِيٍّ عَلِيًّا نَافِدَ الْبَصِيرَةِ صَلْبَ الْإِيمَانِ» (عاملی، بی تا، ج ۷، ص ۴۳۰).

۲. «وَمَنْ رَدَّ عَلَيَّ هَذَا أَصْبِرُ حَتَّى يَقْضِيَ اللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنَ الْقَوْمِ بِالْحَقِّ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ» (ابن شهر آشوب، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۸۹).

۳. «لَيْسَ شَأْنِي شَأْنٌ مَنْ يَخَافُ الْمَوْتَ. مَا أَهْوَنَ الْمَوْتُ عَلَى سَبِيلِ تِلْكَ الْعِزِّ وَالْإِحْتِيَافِ الْحَقِّ» (شوشتری، ۱۰۱۹، ج ۱۱، ص ۶۱۰).

است. توصیه ایشان به پایداری بر ناملازمات و سختی‌هایی که انسان را در مسیر حق نگه می‌دارد،^۱ بر این نکته اشاره دارد.

در مکتب تربیتی حسین (علیه السلام)، مقاومت در برابر شرایط نامطلوب اجتماعی و پایداری در راستای تحقق اهداف متعالی کلید عزت و سربلندی است؛ از این‌رو، ضمن پرهیز از بیعت با یزید در مدینه راه هجرت را برمی‌گزیند تا با حضور در مکه ضمن انتقال دیدگاه‌های خود در مورد حکومت یزید مبارزات خود را در بعد فرهنگی و سیاسی ادامه دهد.

باب مبارزه با شرایط نامطلوب حاکم بر جامعه در دیدگاه تربیتی امام حسین (علیه السلام) هرگز بسته نخواهد شد؛ بنابراین، مبارزه با شفاف‌سازی افکار عمومی و انذار عاملان تباهی آغاز می‌شود و با پذیرفتن شرایط حاکمان و هجرت و مقابله همه‌جانبه تا پای جان ادامه می‌یابد. این مقاومت، ابراز و پاسداشت عقاید و اثرگذاری بر شرایط، پس از شهادت سیدالشهدا و در عملکرد امام سجاد (علیه السلام) و حضرت زینب (علیها السلام) نیز تبلور می‌یابد. ایشان به جای اتخاذ رویکرد انفعالی و مسکوت گذاشتن اندیشه‌ها و دیدگاه‌های اعتقادی خود در اسارت، شجاعانه از اعتقادات خود و عملکرد امام حسین (علیه السلام) و شهدای کربلا دفاع می‌کنند، به‌گونه‌ای که یزید هم در برابر منطق شجاعانه ایشان وادار به سکوت می‌شود (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۴، ص ۸۶). مقاومت جانانه یاران سیدالشهدا با وجود کثرت دشمنان و شهادت ایشان نیز مبین عزم و اراده مستحکم ایشان در پاسداشت اندیشه‌ها و باورهای درونی ایشان است که در پرتو عقلانیت متعالی اعتبار یافته است و هیچ نیرویی نمی‌تواند آن را مسکوت بگذارد و صاحبانش را به انفعال بکشاند.



نمودار ۱: تجلی ملاک‌های خودگردانی در عملکرد امام حسین (علیه السلام) و یارانش

۱. «إصْبِرْ عَلَىٰ مَا تَكَرَّرَ فِيمَا يَلْزَمُكَ الْحَقُّ، وَ اصْبِرْ عَمَّا تُحِبُّ فِيمَا يَدْعُوكَ إِلَيْهِ الْهَوَىٰ» (قیومی، ۱۳۷۵، ص ۳۲۶).

۴-۲. رفتارشناسی دشمنان امام حسین (علیه السلام) بر مبنای ملاک‌های سه گانه خودگردانی

۴-۲-۱. اصالت

هنگامی می‌توان ادعا کرد رفتاری اصالت دارد که براساس قوه ابتکار فردی و بدون تأثیر فشارهای اجتماعی و روانی شکل گیرد (دیردن، ۱۹۷۵). رفتارشناسی مردم کوفه مبین فقدان رکن اصالت در عملکرد آنها و نقش آفرینی فشارهای اجتماعی و روانی در تغییر مواضع پیاپی آنهاست. ارسال نامه‌های فراوان از سوی مردم کوفه به امام، پس از مرگ معاویه، و در زمان حکومت نعمان بن بشیر که فردی میانه‌رو و محافظه‌کار بود، مؤید این ادعاست. تسامح نعمان در برخورد با مخالفان حکومت اموی پس از مرگ معاویه فضای عمومی کوفه را به نفع مخالفان حکومت پیش می‌برد و روزبه‌روز بر مخالفان یزید و دعوت‌کنندگان امام حسین (علیه السلام) افزود. این در حالی است که انبوه دعوت‌کنندگان امام با ورود ابن‌زیاد، حاکم جدید کوفه، مرعوب او گشتند و نه تنها دست از یاری امام کشیدند؛ بلکه به طمع دستیابی به مال و مقام در جبهه مقابل امام قرار گرفتند؛ به گونه‌ای که سپاهی که با امام جنگید، با وجود اتمام حجت‌ها، همه از کوفیان بودند و یک نفر از اهل شام نیز با آنان نبود (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۲) و عزم جزم آنها برای یاری امام به اجماعشان برای شهادتش بدل گشت.

منشأ درونی رفتار مبین اصالت رفتار است؛ اما دنبال‌روی از نفس اماره و غرائز با وجود منشأ درونی آنها مصداق دگرگردانی است؛ زیرا محوریت هوای نفس به منزله مسکوت گذاشته شدن دیگر منابع درونی تصمیم‌گیری است و با توجه به مسکوت ماندن عامل بازنگری رفتار، یعنی عقل، اصالت رفتار محقق نخواهد شد؛ زیرا فرد را به ورطه بردگی نفس می‌کشاند، از آنجایی که این نیروهای غیراصیل درونی - که تعبیر نفس اماره در اسلام برای آن به کار می‌رود - مانع حاکمیت عقلانیت متعالی بر عملکرد انسان است؛ بنابراین تأثیرپذیری از آنها نیز مانع تحقق اصالت محسوب می‌شود. حب جاه و مقام و مدیریت رفتار در راستای ارضای آنها از جمله جلوه‌های حاکمیت نفس اماره بر انسان به شمار می‌رود، همگرایی اشراف کوفه و سکوت و یا همراهی با سپاه ابن‌زیاد در کربلا پس از تطمیع و دریافت رشوه (بلاذری، ۱۳۵۴، ج ۲، ص ۳۴۵) و تصمیم عمرسعد در پذیرش فرماندهی لشکر کوفه، به طمع فرمانروایی ری، نمونه‌های بارز رفتارهای غیراصیلی است که بر مبنای پیروی از هوای نفس شکل می‌گیرد.

۴-۲-۲. تأمل عقلانی

تأمل عقلانی با نقد و ارزیابی همراه است. ارزیابی مدام عملکرد، عبرت گرفتن از گذشته خود و دیگران، تحلیل صحیح رخدادها و غایت‌نگری به جای مصلحت‌اندیشی مقطعی از پیامدهای تأمل عقلانی محسوب می‌شود. عملکرد مردم کوفه در مواجهه با ابن‌زیاد، در بدو ورود به کوفه، نشان از

ناتوانی آنها در تحلیل رویدادها و آینده‌نگری است؛ زیرا در حالی که ابن‌زیاد بدون سپاه و با همراهان انگشت‌شمار وارد کوفه شد، در زمان کوتاهی توانست با فرافکنی‌های روانی و تبلیغات مسموم کنترل شهر را به‌دست گیرد.

مصلحت‌اندیشی مقطعی و فقدان دوراندیشی آفت دیگری بود که در حوزه شناختی گریبانگیر مردم کوفه بود. آنها برای حفظ جان و مال خویش همراهی با ابن‌زیاد را برگزیدند؛ در حالی که این همراهی، در آینده‌ای نه چندان دور، گریبانگیر آنها شد و در جریان قیام مختار و حوادث پس از آن مال و جان آنها را به تباهی کشاند.

هرچند ارباب و تبلیغات به‌عنوان آفت اندیشه، قدرت بازنگری و تأمل عقلانی مردم عادی کوفه را سلب کرد و مانع انتخاب صحیح آنها در جریان واقعه عاشورا شد، طمع و زیاده‌خواهی اشراف و سران کوفه در بازداری آنها در انتخاب مسیر صحیح، عامل مهم‌تری به نظر می‌رسد. برای نمونه، عمر سعد، به‌عنوان فرمانده سپاه یزید، کور و کر طمع منصب، پول و لذت بود (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۹۵). بنابراین به طمع فرمانروایی بر دلایل عقلی خود، برای پرهیز از جنگ با امام، فائق آمد و راهی کربلا شد؛ زیرا ابن‌زیاد او را تهدید کرد در صورت سرپیچی از جنگ با حسین حکومت ری را از دست خواهد داد (بلاذری، ۱۳۵۴، ج ۳). حکومتی که با وجود تبعیت ابن‌سعد هیچ‌گاه برای او محقق نشد.

۴-۲-۳. اراده

اراده شرط تحقق اندیشه است. انسان خودگردان باید با اراده قوی و شجاعت کافی در مقابل تمایلات غیرمنطقی درونی و نیروهای بازدارنده بیرونی ایستادگی کند (حیدری، ۱۳۸۷). فقدان اراده برای دفاع از عقاید یکی از ویژگی‌های بارز مردم کوفه است. در کراهت باطنی کوفیان در جنگ با امام شکی نیست، اگر کشته‌هایی که اهل کوفه در تبعیت ابن‌زیاد دادند در مخالفت با او می‌دادند، سقوط بنی‌امیه حتمی بود. درباره هانی گفته‌اند چندین هزار نفر مسلح موافق داشت که ابن‌زیاد با یک تهور همه را مرعوب کرد (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۲) و این امر ناشی از فقدان استقامت و پایداری برای تحقق هدف است.

در جریان قیام مسلم در کوفه نیز در کمتر از یک روز اثری از خیل عظیم همراهان مسلم باقی نماند. عده‌ای فریفته تبلیغات ابن‌زیاد شدند و عده‌ای مرعوب سپاه دروغین شام. توصیف فرزذق از مردم کوفه در مواجهه با امام حسین علیه السلام نیز مؤید این امر است: «دل‌هایشان با توست و شمشیرهایشان با بنی‌امیه» (دینوری، ۱۳۶۸، ص ۲۴۵). امام حسین علیه السلام به زیبایی علت این رویکرد

آنها را بیان می‌کند: شما ستمگران را در مقام خود جای دادید و امور حکومت خداوند را به آنان وا گذاشتید تا به شبهه‌ها کار کنند و به راه شهوت‌ها روند. آنچه سبب شده است آنان را بر این مقام مسلط کنید گریز شما از مرگ و دلبستگی‌تان به دنیا است (حرانی، ۱۳۹۴، ص ۱۶۹). دنیاطلبی و طمع برای زندگی بیشتر اراده مقاومت و تلاش برای تحقق اهداف متعالی را از آنها سلب نموده، آنها را به ورطه ذلت و خواری کشاند.



نمودار ۲: زمینه‌های عملکرد مبتنی بر دگرگردانی در رفتار دشمنان امام

بحث و نتیجه‌گیری

حادثه کربلا احیاگر اسلام و سراج مبین آزادگان است که پاسداشت و احیای توصیه مؤکد ائمه معصومان علیهم‌السلام است. با وجود این، بسندگی به ترویج وجه حماسی و عاطفی این واقعه بزرگ، تحریفی معنوی است که همگان را از آثار و برکات فزاینده آن محروم می‌کند. با توجه به رویکرد تربیتی امام حسین علیه‌السلام در جریان واقعه عاشورا، مغفول ماندن بعد تربیتی حماسه عاشورا و دستاوردهای تربیتی آن، ظلمی است مضاعف بر نقش آفرینان این مکتب؛ بنابراین، تحلیل تربیتی سیره قولی و عملی امام حسین علیه‌السلام و یارانشان در جریان واقعه عاشورا در راستای تبیین الگوهای جامعه عمل پوشیده تربیتی رسالتی است که پژوهشگران عرصه تعلیم و تربیت بر عهده دارند. در عصری که بشریت در حصار خودساخته اطلاعاتی، همواره در معرض انبوه اطلاعات و تبلیغات قرار دارد تا فکر، اندیشه و انتخابش تحت الشعاع قرار گیرد، پرورش متریان خودگردان متدین تنها راه‌هایی از استیلای فکری صاحبان رسانه و سرمایه است. این در حالی است که تحلیل سیره امام حسین علیه‌السلام در جریان واقعه عاشورا با محوریت خودگردانی مبین تحقق خودگردانی

متعالی در عملکرد ایشان است. به گونه‌ای که عقلانیت به عنوان یکی از ارکان رفتار مبتنی بر خودگردانی در سیره ایشان، به مدد اتصال به معارف الهی، به عقلانیت متعالی ارتقا می‌یابد. این امر نوعی بصیرت‌افزایی و بینش عمیق برای ایشان به ارمغان می‌آورد؛ به گونه‌ای که ایشان عملکرد خود را در راستای تحقق اهداف و آرمان‌های انسانی و جهانی و نه فردی و قومی مدیریت می‌کنند. این امر موجب می‌شود عملکرد ایشان در نظر عقلای هم‌عصر ایشان، نظیر ابن عباس، قابل فهم نباشد؛ اما وقایعی که در دهه‌ها و سده‌های بعد تحت تأثیر این حرکت به وقوع پیوست، پرده از بصیرت و علم امام حسین (علیه السلام) بر آنچه از منظر دیگران مغفول مانده بود، برداشت.

اثر ناپذیری رأی و تصمیم امام از عوامل انسانی و اجتماعی پیرامون و عزم و اراده ایشان بر تحقق هدف، وجه دیگر سیره تربیتی امام است، تبلیغات سیاسی، شبهه‌افکنی، ارباب، تهدید و سرانجام جنگ، بخش کوچکی از تدابیر دشمنان امام برای اثرگذاری بر انتخاب ایشان و همراهانشان بود. با وجود این، امام و همراهانشان که در پرتو عقلانیت متعالی بر صحت انتخاب خود یقین داشتند، راه را بر عوامل مخرب سد کردند و در سایه اراده پولادین و قوی با شجاعت برای تحقق هدف خود قیام کردند و در این راه از بدل جان نیز فروگذار نکردند و این تجلی کامل خودگردانی است که تنها در بستر عقلانیت رشدیافته در بستر تعالیم الهی محقق می‌شود؛ عقلانیتی که بر مبنای تحلیل و ارزیابی مدام عملکرد خود و محیط پیرامون در پرتو وحی بر محدودیت‌های انسانی فائق می‌آید.

فقدان ملاک‌های سه‌گانه خودگردانی در عملکرد مؤید دگرگردانی است. رویکردی که در رفتار دشمنان امام (علیه السلام) و مردم کوفه به وضوح دیده می‌شد. آنها به ظاهر متمسک به دین اسلام بودند، اما نه اراده‌ای برای تحقق آن داشتند و نه در راستای عملکرد صحیح، اندیشه و خرد را به کار می‌بستند. دین‌گزینی موروثی بدون تدبیر و تعمق در تعالیم دینی، اکتفا به ظاهر دین و متمسک قرار دادن دین برای دستیابی به مطامع شخصی و گروهی، بسترهای تحقق دگرگردانی است که در رفتارشناسی دشمنان امام به خوبی مشهود است.

از آنجایی که ارائه الگوهای جامعه عمل پوشیده شده به متریان یکی از عوامل تحریض و تحریک آنها برای دستیابی به اهداف تربیتی است و با توجه به مقبولیت فراقومی، ملی، و دینی حماسه‌آفرینان کربلا، الگوگیری متریان از رویکرد تربیتی آنها به عنوان نمادهای خودگردانی متعالی تحقق یافته که در عین اتصال و تسلیم در برابر خداوند در برابر هیچ نیرویی سر تسلیم فرود نیاوردند و تا پای جان بر سر عقیده و انتخاب خود ماندند، راهکاری مناسب برای حفظ استقلال فردی و به تبع آن جامعه محسوب می‌شود؛ بنابراین آشنا نمودن مردم، خاصه نسل جوان، با این وجه تربیتی حماسه‌سازان عاشورا رسالت خطیر متصدیان تعلیم و تربیت رسمی و غیررسمی کشور به شمار می‌رود.

منابع

- * قرآن.
- * مفاتیح الجنان.
۱. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد (۱۳۸۵ق)، الكامل فی التاریخ، ج ۴، بیروت: دارالصادر.
 ۲. ابن شهر آشوب، ابوجعفر محمد بن علی (۱۴۰۳ق)، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، بیروت: دارالاضواء.
 ۳. ابن طاووس، رضی الدین ابوالقاسم علی بن موسی (۱۴۰۴ق)، الملهوف علی قتلی الطفوف، دارالاسوه للطباعة و النشر.
 ۴. ابن مسعودی، علی بن الحسین (بی تا)، مروج الذهب و معادن الجواهر، بیروت: دارالاندلس.
 ۵. بهشتی، سعید؛ محمدجواد زارعان و هادی رزاقی (۱۳۹۵)، «معنا و حدود استقلال به مثابه هدف در تربیت دینی»، فصلنامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی، س ۸، ش ۲، ص ۵-۲۸.
 ۶. بهمنی، طاهره؛ مسعود صفایی مقدم و محمدجعفر پاک سرشت (۱۳۹۵)، «تبیین استقلال اخلاقی به عنوان هدفی تربیتی»، دوفصلنامه فلسفه و تربیت، س ۱، ش ۱، ص ۶۹-۹۰.
 ۷. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (۱۳۵۴)، انساب الاشراف، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
 ۸. حرانی، ابومحمد الحسن بن علی بن الحسین (۱۳۹۴ق)، تحف العقول عن آل رسول، قم: مکتبه بصیره.
 ۹. حیدری، محمدحسین (۱۳۸۷)، «خودگردانی فردی به مثابه یک هدف تربیتی و بررسی زمینه‌ها و جایگاه آن در تعلیم و تربیت ایران، پایان‌نامه دکتری دانشگاه شهید چمران اهواز.
 ۱۰. دلاور، علی (۱۳۸۱)، روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، چاپ سوم، تهران: انتشارات ویرایش.
 ۱۱. دینوری، ابوحنیفه (۱۳۶۸)، اخبار الطوال، قم: منشورات الرضی.
 ۱۲. شوشتری، قاضی نورالله (۱۰۱۹ق)، احقاق الحق وازهاق الباطل، مع تعلیقات السید شهاب الدین المرعشی النجفی، قم: مکتبه المرعشی النجفی.
 ۱۳. کاپلستون، فردریک (۱۳۷۴)، تاریخ فلسفه، ج ۶، مترجم اسماعیل سعادت، تهران: سروش.

۱۴. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۵)، تفسیر المیزان، ج ۲، ترجمه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۵. الطبری، محمد بن جریر (۱۹۷۹)، تاریخ الرسل والملوک (تاریخ طبری)، ج ۵، القاهرة: دارالمعارف.
۱۶. عاملی، سیدمحسن الامین (بی تا)، اعیان الشیعه، بیروت: دارالتعارف.
۱۷. گال، مردیت؛ بورگ، والتر؛ گال، جویس (۱۳۸۶)، روش های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان شناسی، ترجمه احمدرضا نصر و همکاران، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۱۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعه لعلوم الانمه الاطهار، ج ۴۴، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۱۹. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۵)، آموزش فلسفه، تهران: سازمان تبلیغات.
۲۰. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، حماسه حسینی، ج ۱ و ۲، ج ۳۱، تهران: انتشارات صدرا.
۲۱. مقرر، عبدالرزاق الموسوی (۱۳۹۱ق)، مقتل الحسین، قم: مکتبه البصیره.
۲۲. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۶۸)، صحیفه نور، ج ۱۵، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۳. نجفی، محمدجواد (۱۳۶۲)، زندگانی حضرت امام حسین (علیه السلام)، ج ۳، تهران: انتشارات اسلامی.
24. Dearden, R.F (1975), *Autonomy as an Education Ideal in Brown, S.C.(ed) philosophers Discuss Education*, London:Macmillan.
25. Hume, David (2007), *An Enquiry Concerning Human Understanding*, ed. by Stephen Buckle, Cambridge.
26. Kant, Immanuel (1972), *Groundwork of Metaphysic of morals*, tr: Paton, H.J, PP, 55-123, in: *The moral law*, London, Hutchinson University Library, 1972.
27. Maykat, P. and Morehouse, R. (1994), *Beginning qualitative research*, London: The Falmer.
28. Peters, R. S. (1973), *Freeedom and the development of the free man*, London: Routledge and Kegan paul.